



۱۱

روایت صوتی «قصر شیرین» برای نابینایان

آخر هفته شلوغ آقای جامعه‌شناس

۱۰

فرهنگ

یکشنبه ۳۱ شهریور ۱۳۹۸ :: شماره ۵۴۸۴



۱۲

بازگشت ویرانگر

۹ جامعه

پشت صحنه

پرتره

اعزام کارمند و اهدای

بن، ممنوع

🔗 به گزارش جام جم نشست خبری دور جدید برگزاری نمایشگاه‌های کتاب استانی (۱۳۹۸)، شنبه ۳۰ شهریور با حضور قادر آشنا، مدیرعامل موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران، رضا بصیرت، معاون اداری و مالی و رجیبعلی سالاریان، مدیر نمایشگاه‌های استانی برگزار شد. قادر آشنا، مدیرعامل موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران با اشاره به شرایط و مشکلاتی که این روزها کشور با آن درگیر است، درباره چگونگی برگزاری این دور از نمایشگاه‌های استانی گفت: مدیران استان‌ها ترجیح می‌دهند نمایشگاه کتاب‌شان در ماه‌های مهر و آبان یا در نهایت در آذرماه برگزار شود. هر سال شش ماه نخست سال را برای برگزاری نمایشگاه کتاب استانی از دست می‌دهیم و مجبوریم در شش ماه دوم فشاری مضاعف تحمل کنیم.

مدیرعامل موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران با اشاره به برنامه‌ریزی و اولویت‌بندی زمان برگزاری نمایشگاه‌های استانی گفت: وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تأکید داشت در همه استان‌ها نمایشگاه کتاب برگزار شود. برای تحقق این نیاز به زمان‌بندی و مدیریت منابع نیاز داشتیم. حال تمام استان‌ها جز یکی زمان قطعی برگزاری نمایشگاه خود را اعلام کردند.

آشنا در بیان تصمیم دومی که برای برگزاری این دوره از نمایشگاه‌های استانی گرفته شده است، گفت: باید منابع را مدیریت می‌کردیم. سال گذشته هر نمایشگاه ۱۵۰ میلیون تومان هزینه داشت که امسال با توجه به ضرورت برگزاری ۳۰ نمایشگاه ممکن نبود پس هزینه هر نمایشگاه را به صد میلیون رساندیم.

او درباره راهکارهای کاهش هزینه برگزاری نمایشگاه استانی توضیح داد: به روشی که در نمایشگاه تهران اجرایی کردیم. بن اهدایی نمایشگاه‌های استانی را حذف کردیم زیرا بن‌ها به عدالت مدیریت نمی‌شد. هر سال دوویژه‌نامه در نمایشگاه‌های استانی منتشر می‌شد که با توجه به شرایط کاغذ و محدودیت‌های آن با استفاده از امکانات فضای مجازی دو ویژه‌نامه را حذف کردیم.

مدیرعامل موسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران در ادامه گفت: نکته بعدی ایجاد محدودیت در تعداد اعزام کارمندان و تعداد روزهای برگزاری نمایشگاه‌های استانی بود. برای استفاده بهتر از منابع و ظرفیت‌های استانی به جای استفاده از هتل‌ها از مهمانسراها استفاده کردیم. آخرین نکته در بخش منابع، کمک‌کردن استانداری و منابع شهرها بود که بار عمده مالی را از دوش موسسه نمایشگاه‌ها برداشت.

آشنا در بیان شاخص‌های اولویت برای برپایی نمایشگاه کتاب استانی توضیح داد: اولویت با استان‌های سیل‌زده یا زلزله‌زده بود. همچنین استان‌های مرزی محروم و استان‌هایی که سال گذشته نمایشگاه کتاب در آنها برگزار نشده بود در اولویت قرار گرفت. او ادامه داد: نخبگان و دانشجویان استان‌های سیل‌زده و زلزله‌زده نتوانستند در نمایشگاه کتاب تهران شرکت کنند؛ به همین منظور سطح بن بالاتری برای این استان‌ها در نظر گرفته شد. 🔗

درباره کتاب «مسافران وطن» که تازه رونمایی شده است

جوان رفتند، پیر برگشتند

🔗 جوان می‌روند و پیر برمی‌گردند، می‌شوند مصداق دقیق همان که می‌گویند جوان به حادثه‌ای پیر می‌شود گاهی... از چه کسانی حرف می‌زنم؟

از «مسافران وطن» دیگر... همان‌ها که حرف‌ها و تلخی‌های سفرشان را گفته‌اند و در قالب کتابی منتشر شده است. کتابی با همین عبارت مسافران وطن که روز گذشته در حوزه هنری رونمایی شد.

ما هم رقتیم سراغ سعید علامیان گردآورنده این کتاب خاطرات تا درباره اش حرف بزنیم و ببینیم روایتگر چه اتفاقاتی شده است.



زینب مرتضایی فرد

فرهنگ و هنر

🔗 ماجرای مسافران وطن چیست؟

آنها مسافران وطن بوده‌اند. فکری را بکنید آدم بشود مسافر وطنش، آدمی که صاحب وطن است آنقدر دور افتاده و دشواری‌ها از سر گذرانده که راهی وطن شدن، سفر به خاک ایران پرزنگ‌ترین و عزیزترین اتفاق عمرش خواهد بود. ۴۷ ازاده‌ای که سال‌های جنگ تحصیلی مشغول حفاظت از خطوط مخابرات و لوله‌های نفت بوده‌اند، توسط نیروهای بعثی به اسارت گرفته شده و سال‌های سختی را پشت سرمی‌گذارند.

علامیان درباره جمع‌آوری این خاطرات به جام‌جم می‌گوید: برای تهیه کتاب تیمی مشغول پیاده‌سازی و گرفتن مصاحبه‌ها بود که در مقدمه کتاب از آنها یاد شده است، من در واقع هشت دستیار داشتم که برخی مصاحبه می‌کردند، برخی متن‌ها را پیاده و برخی تنظیم می‌کردند. در نهایت هم ۲۵۰۰ صفحه متن به دستم رسید که از دل آنها کتابی ۵۰۰ صفحه‌ای را استخراج کردم.

او می‌افزاید: آنچه در تمام خاطرات مشترک بود این‌که همگی حال و هوای وطن را داشتند از این رو عنوان مسافران وطن به عنوان نام کتاب انتخاب شد.

🔗 ایثار مضاعف

آزاده‌هایی که اغلب جانباز هم هستند. علامیان از افراد حاضر در کتاب مسافران وطن این‌طور یاد کرده و درباره‌شان توضیح می‌دهد. او می‌گوید: اغلب آزاده‌هایی که با آنها حرف زده‌ایم جانباز هستند، در واقع در دوران اسارت مجروح شده و علاوه بر آزاده عنوان جانباز را هم به خود می‌گیرند، این اتفاقات با آنچه برای دیگر مجروحان رخ داده متفاوت است، چرا که این افراد ایثار مضاعفی کرده‌اند. علامیان می‌افزاید: وقتی در جبهه کسی مجروح می‌شد، به بیمارستان منتقل شده و در موارد بسیاری خانواده‌اش کنارش بودند و از او مراقبت می‌کردند، اما آزادگانی که در دوران اسارت مجروح شده‌اند در اوج تنهایی بودند و بعضاً هم زندانبان‌هایی داشتند که دردهایشان را تسکین نمی‌داد و بیشتر هم می‌کرد.

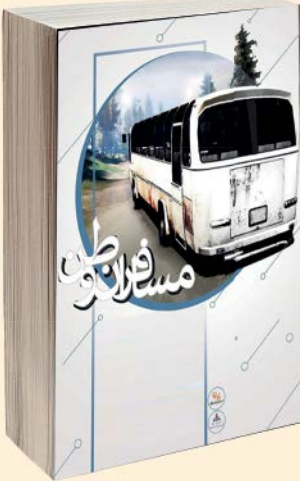
🔗 بعثی‌ها همیشه بعثی ماندند

بعثی‌ها حتی بعد از جنگ با ایران هم عوض نشدند. این را علامیان می‌گوید و توضیح می‌دهد: بعثی‌ها به مردم عراق هم بد کردند و جزو تشکیل‌دهندگان داعش بودند. اصلاً می‌شود گفت خط مقدم داعش بودند. او می‌افزاید: حالا ببینید اسرای ایرانی چه روایت‌های عجیبی می‌توانند از برخورد و مواجهه با چنین آدم‌هایی داشته باشند. ماجراهای جذابی از این برخوردها در این کتاب مطرح می‌شود و ناگفته‌هایی از اسارت برای نخستین بار در این کتاب درج شده است.

🔗 سیدآزادگان در مسافران وطن

علامیان به بیان نکات مهم کتاب پرداخته و می‌گوید: تالیف کتاب حدود یک سال

و نیم به طول انجامید و نقطه طلایی کتاب بخشی است که به سیدآزادگان اختصاص دارد؛ چرا که اغلب آزادگان با آقای ابوترابی مشهور بوده‌اند و بر این اساس می‌توان گفت که کتاب به نوعی تاریخ شفاهی آقای ابوترابی است. او می‌افزاید: القاب خاصی از سوی آزادگان کشورمان به آقای ابوترابی اطلاق می‌شد؛ از جمله فرشته نجات و در ادامه عنوان می‌شد که ایشان رحمتی در اردوگاه‌ها بوده‌اند. حتی یکی از اسرا اعلام می‌کرد که اگر ایشان نبودند



۳۰ درصد آزادگان به ایران باز نمی‌گشتند. ایشان آرامشی را در اردوگاه‌ها جاری می‌کرد. علامیان همچنین می‌گوید: برایم جالب بود که از آزادگان و جانبازان فعال در سازمان‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی بنویسم؛ چرا که کسی برای جمع‌آوری خاطرات سراغ‌شان نمی‌رود. از این رو سراغ شاغلین در خط لوله نفت رفتم.

🔗 آنها سکوت کرده بودند

۴۷ آزاده‌ای که سکوت کرده بودند و حرفی نمی‌زدند بالاخره با تشویق علامیان و همکارانش حاضر به مصاحبه می‌شوند تا ناگفته‌هایشان را بیان کنند. علامیان می‌گوید: این بزرگواران قصد نداشتند حرف بزنند، اما ما از آنها خواستیم با بیان آنچه بر آنها گذشته روایت جنگ را کامل‌تر کنند.

او ادامه می‌دهد: آنها خاطرات‌شان را بیان کردند و ما هم در این کتاب پس از معرفی‌شان به بیان خاطرات‌شان پرداختیم. هر چند خودمان هم بارها از آنچه بر سرشان رفته متأثر و غمگین شدیم و دیدیم آنها جوان رفته و پیر برگشته‌اند، سالم رفته و برخی‌شان جانباز برگشته‌اند، اما چاره‌ای جز گفتن نبوده و نیست و باید روایت جنگ ناعادلانه‌ای را که بر مردم ایران گذشت کامل کنیم. 🔗

ذره‌بین

از روزنامه‌نگاری تا تدوین خاطرات

سعید علامیان، نویسنده کتاب مسافران وطن سال ۱۳۳۴ در تهران به دنیا آمد. فروردین ۱۳۶۰ حرفه روزنامه‌نگاری را در روزنامه جمهوری اسلامی شروع کرد که تا سال ۱۳۶۸ ادامه یافت. او در این مدت صفحه چپ‌به و جنگ را در آن روزنامه تأسیس کرد و به عنوان خبرنگار در جبهه‌ها حضور یافت. علامیان مهر ۱۳۶۷ در میان هنرمندان برگزیده هشت سال دفاع مقدس، لوح زرین پیام امام خمینی (ره)، دیپلم افتخار و نشان طلای یادبود مجتمع هنر و ادبیات دفاع مقدس را در رشته خبرنگاری دریافت کرد. او پس از جنگ، کار در مطبوعات را دنبال کرد، که از جمله هشت سال سردبیری هفته‌نامه‌ی «از ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۸» و همچنین سردبیری فصلنامه فرهنگ پایداری از ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵ را می‌توان نام برد که حاصل آن هشت جلد فصلنامه مزبور بود. او علاوه بر این، دبیر سرویسی بخش اجتماعی روزنامه ایران و روزنامه سیاست روز و نیز فعالیت در نشریات مختلف دیگر را در کارنامه ۳۰ ساله روزنامه‌نگاری خود دارد که تا امروز با انتشار گزارش و یادداشت در مطبوعات تا دوام داشته است. علامیان از سال ۱۳۸۴ به خلق آثاری در حوزه ادبیات انقلاب و دفاع مقدس پرداخت. از جمله این تألیفات می‌توان از کتاب «مأموریت در ساحل نیسان» نام برد که توسط انتشارات صریح به چاپ رسید و در ردیف برگزیده‌های یازدهمین جشنواره کتاب دفاع مقدس قرار گرفت. اثر دیگر او «لشکر آچار به دست» نام دارد که سال ۱۳۹۰ توسط انتشارات فاتحان وارد بازار نشر شد. «برای تاریخ می‌گویم» عنوان کتاب دیگر اوست که در سال ۱۳۹۱ توسط انتشارات سوره مهر منتشر شده و شامل خاطرات محسن رفیق‌دوست است.



این گل‌درد کشت ما را



این سرماخوردگی ول نمی‌کند آقا! ول نمی‌کند! همین جناب علیرزاده بعد از ۴۸ ساعت هنوز دارد با چرک‌لک‌های گل‌درد و گوش درد ناشی از سرماخوردگی دست و پنجه نرم می‌کند تا بلکه کشتی سلامت را به ساحل درمان برساند، زهی خیال باطل اما! ظاهراً جناب‌شان باید حالا حالا‌ها با این آنفلوآنزا و بیماری ویروسی دست و پنجه نرم کنند. از دیگر اتفاقات دیروز هم این که بالاخره بعد از ماه‌ها کوفتن بر در و دیوار و برو و بیای اوس مارکوس و دوستان، بالاخره سالن سلف سرویس روزنامه راه‌اندازی شد تا بر و بچه‌های تحریریه به جای آن که لقمه‌های ناهار را هُلَف هُلَف پشت مانیتور و در حال تایپ و گوش‌ی تلفن به گوش زهرمار... ببخشید صرف کنند، خیلی شیک و مجلسی سه طبقه را بروند پایین و توی سلف بنشینند و ناهارشان را میل کنند. خلاصه که این‌جوری‌هاست! اگر می‌بینید صفحه‌ها کمی زرق و برق بیشتری دارند بی‌ربط به این قضیه نیست!

و اما بعد... امروز ۳۱ شهریور است. اجمالاً نیازی به توصیه و تذکر نیست که



این روز مصادف است با اولین روز از هفته دفاع مقدس. همین هم باعث شده که زینب مرتضایی فرد برود سراغ یکی از کتاب‌های این حوزه که اتفاقاً در روزهای اخیر رونمایی شده و داغ‌داغ است. مرتضایی فرد که گزارش‌ش را می‌توانید کنار همین ستون بخوانید سراغی رفته از کتاب «مسافران وطن» و سعید آقای علامیان. مشروح گزارش مرتضایی فرد را گذاشته‌ایم در همین صفحه ورودی تا بخوانید.



ورق بزنید و خودتان را ببندازید در دعوی اخیری که در باب اظهارات یوسف ابادری راه افتاده. جناب دکتر که از استادان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران محسوب می‌شود و با حفظ سمت، نیمچه تمایلاتی هم در نسبت با مکتب فرانکفورت دارد و به شدت هم از سرمایه‌داری و کاپیتالیسم شاکی است، سه سال قبل حرف‌هایی زده که دوباره امروز بازنشر و حاشیه‌ساز شده‌اند. همین هم باعث شد که برو بیچ صفحه ۱۰ سراغی از این حاشیه‌ها بگیرند. جَمَلا اگر ابادری را یادتان نیست باید یادآور شویم که استاد در زمان فوت مرتضی پاشایی هم به‌شدت از خجالت بعضی طرفداران آن مرحوم درآمده بود!



خبرنگار سینمایی ما ساز قنبری هم به مناسبت هفته دفاع مقدس رفته سراغ ثریا خانم قاسمی و با او یک زده. در جریان هستیکه ثریا قاسمی در یکی از فیلم‌های دفاع مقدسی این سال‌هایایی نقش کرده «ویلائی‌ها» به کارگردانی منیر قیدی و بازی ثریا قاسمی و طناز طباطبایی و صابر ابر، روایتی سینمایی از تعدادی از زنانی بود که در شهرکی در مناطق جنگی در کنار هم زندگی می‌کردند. این فیلم چند سال قبل در زمان نمایش در جشنواره فیلم فجر با اقبال زیادی از سوی منتقدان روبه‌رو شد. صحبت‌های خانم قاسمی را هم می‌توانید در صفحه ۱۱ بخوانید. 🔗